مدیریت دانشگاهی و پاسخ‌گویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیأت‌علمی

زهرا کریمیان*، جواد کجوری، فرهاد لطفی، میترا امینی

چکیده

مقدمه: اصالت و پویایی فعالیت‌های دانشگاه نیاز به جوی آزاد و دموکراتیک دارد و از اصول پشتیبان اعضای هیأت‌علمی به شمار می‌رود. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها نیز سیاستی اصولی برای افزایش مسؤولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و پویایی آن است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت استقلال و آزادی علمی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت‌علمی انجام شد.

روش‌ها: جامعه آماری پژوهش را ۵۵۰ عضو هیأت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می‌دهند. بر اساس جدول مورگان نمونه‌ای مشتمل بر ۲۳۰ نفر از اعضای هیأت‌علمی به نسبت دانشکده‌های مختلف انتخاب گردید. آزادی علمی، استقلال دانشگاه، و تاثیر سیاست-های خارجی توسط پرسشنامه محقق‌ساخته با ۱۵ سؤال بسته پاسخ در مقیاس لیکرت مورد سنجش قرارگرفت و نمره هر گویه از ۱۰۰ محاسبه گردید. روایی پرسشنامه توسط صاحب‌نظران و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ تأیید شد.

نتایج: میانگین نمره اختصاص یافته به حیطه های اصلی شامل استقلال دانشگاه‌ها(۸۱/۳±۲۱/۳)، تأثیر سیاست‌های خارجی (۷۶/۹±۲۰/۵)، و آزادی علمی (۷۳/۳±۲۱/۶) بود. در بین گویه‌ها عدم استقلال مالی دانشگاه و وابستگی به بودجه دولتی (۸۵/۶)، تأثیر روابط سیاسی بر روابط علمی بین‌المللی (۷۹/۱)، تأثیر نگرش‌های سیاسی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی (۷۶/۹)، تغییر مداوم برنامه‌ها بعد از تغییرات مدیریتی (۷۶/۵) از جمله مواردی بودند که بیشترین میانگین مشکلات را به خود اختصاص دادند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت آزادی و استقلال علمی در پاسخ‌گویی و رشد خلاقیت در دانشگاه، این مسأله باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک و استقرار سیستم پایش و پاسخ‌گویی نظام‌مند می‌تواند از بسیاری از دوباره کاری‌های ناشی از تغییرات سیاسی جلوگیری نماید.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانشگاهی، استقلال، آزادی علمی، پاسخ‌گویی، رهبری دانشگاهی

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ اسفند۱۳۹۰؛ ۱۱(۸): ۸۵۵ تا ۸۶۳

مقدمه

هنگامی که از مشکلات دانشگاه‌ها سخن به میان می‌آید قبل از هرچیز ذهن ما به مشکلات مالی، حجم سنگین آموزش و تدریس، نبود کارکنان کارآمد و امکانات ناکافی معطوف می‌شود اما آزادی علمی (Academic Freedom)، بیان آزادانه افکار و نداشتن دغدغه در کشف و انتشار حقیقت از جمله چالش‌هایی است که در دانشگاه‌ها کمتر بدان پرداخته شده است(۱). آزادی علمی از اصول پشتیبانی به شمار می‌رود که بر اساس آن، اعضای هیأت‌علمی در یک جامعه سالم می‌باید از حق

* **نویسنده مسؤول:** زهرا کریمیان، دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز، karimian_z@yahoo.com

دکتر جواد کجوری (دانشیار)، دانشکده پزشکی(فوق تخصص کاردیولوژی اینترونشن)، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. (kojurij@yahoo.com)؛ فرهاد لطفی دانشجوی دکتری اقتصاد سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران و کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. (lotfifarhad@gmail.com)؛ دکتر میترا امینی (دانشیار)، متخصص پزشکی اجتماعی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. (aminim@sums.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲، تاریخ اصلاح: ۹۰/۸/۱۵ ، تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۶

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

طبیعی خود برای تبادل آزاد اندیشه و بیان نظریه‌ها در کلاس درس، اجرای آزادانه پژوهش و انتشار نتایج آن، و اظهار نظرهای تخصصی درباره موضوعات علمی برخوردار باشند و دانشگاه باید به این حقوق احترام بگذارد(۲و۳). شالوده آزادی علمی بر گرفته از آزادی‌های فردی و مدنی است که بعدها به حوزه آموزش عالی وارد شده است. سرآغاز بهره‌گیری از مفهوم آزادی علمی به دانشگاه‌های آلمان باز می‌گردد که بر دو اصل آزادی فلسفه‌پردازی (Freedom of Philosophizing) و آزادی تحقیق(Freedom of inquiry) تأکید داشته‌اند. این مفهوم به تدریج در کنار اصول دیگری چون استخدام رسمی و استقلال دانشگاه‌ها قرارگرفت. اما کانون اصلی آن همچنان بر استقلال فکری اعضای هیأت‌علمی و متخصصان دانشگاهی استوار بود(۲). با توجه به ماهیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه در خلق ایده‌های نوین، آزادی علمی امری کاملاً ضروری است. اما در برخی جوامع، اهداف، خواست‌ها و محدودیت‌های سیاسی حاکم بر حیطه‌های علمی به عنوان عامل بازدارنده فعالیت‌های دانشگاهی مطرح است(۴). حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم متمرکز تصمیم‌گیری دولتی، تعصبات خاص گروهی، قومی و جناحی از موانعی هستند که در مسیر علمی دانشگاه قرار دارد.

مسأله دیگر استقلال دانشگاه‌هاست. ژان دوگوروف و همکاران، استقلال دانشگاه را به معنای عدم ضرورت پای‌بندی به دیوانسالاری دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه، و آزادی در مدیریت، توزیع منابع مالی داخلی، کسب درآمد از منابع خارجی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و بالاخره آزادی در مورد نحوه تدریس و انجام پژوهش تعریف می‌کند(۵). اعطای استقلال به دانشگاه‌ها سیاستی اصولی برای افزایش مسؤولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و ایجاد ثبات است. جذب منابع مالی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از موضوعات مهم در بحث استقلال علمی دانشگاه‌هاست و بر این نکته تأکید می‌کند که کمک‌های مالی دولت‌ها هرگز نباید مانع از آزاد اندیشی دانشگاه‌ها و روحیه حقیقت جویی آنها گردد. البته در همه کشورهای پیشرفته که مقوله استقلال دانشگاه به سرانجام رسیده است، هیچ‌گاه دولت از عرصه توسعه علمی و فناوری و حمایت از دانشگاه‌ها کنار نرفته است و کاهش تصدی‌گری دولتی نباید به معنای سلب مسؤولیت دولت تعبیر گردد. بلکه مقصود آن است که دولت با تفویض اختیارات به مدیریت دانشگاه‌ها، به تقویت نظام‌های سیاست‌گذاری، پاسخ‌گویی و حمایت از علم همت می‌گمارد(۶).

مسأله دیگر در بحث آزادی و استقلال علمی، تأثیر ماهیت سیاسی حکومت‌ها بر فرایند تولید اندیشه و دانش است. در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته به علت بسته بودن فضای سیاسی و اجتماعی، مجالی برای اندیشه‌ورزی و بیان آزادانه افکار پدید نمی‌آید. مشکل دیگر آن که در اغلب موارد، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی تحت تأثیر تحولات سیاسی تغییر می‌کند و این امر سبب می‌گردد برنامه‌ها نتوانند در متن جریان اجرای خود ریشه بگیرند و نتایج و دستاوردهای آن به ثمر نشیند. این مسأله، اتلاف منابع و بی انگیزگی جامعه علمی را در پی خواهد داشت(۴). از طرف دیگر، اعتماد متقابل بین دانشگاه و سیاست از مهم‌ترین مقوله‌های ایجاد روابط سالم در جامعه است که نبودن آن، آسیب‌های اجتماعی جدی از جمله عدم استدلال گرایی، تضعیف وفاق عمومی، افزایش روحیات تک محوری و امید بستن قدرت‌های خارجی را در پی خواهد داشت. جیمز کلمن در این رابطه معتقد است افزایش اعتماد به نخبگان، به افزایش امکان بالقوه کنش اجتماعی آنها منجر شده و عدم اعتماد به نخبگان باعث به وجود آمدن فشاری می‌شود که به تفویض اعتماد بیشتر به جایی دیگر منجر می‌شود. مهاجرت مغزها یکی از پیامدهای منفی این عدم اعتماد است. بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، ایران در میان ۶۱ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، متأسفانه رتبه اول مهاجرت نخبگان را به خود اختصاص داده است و طبق سرشماری سال ۱۹۹۰ میلادی در آمریکا، ۷۷ درصد ایرانی تبارهای مقیم این کشور دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. بر اساس آمار سازمان ملل تا حدود یک دهه پیش حدود ۲۴۰ هزار نفر ایرانی تحصیل

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

کرده در آمریکا زندگی می‌کردند که طبق آخرین بررسی انجام شده، از این تعداد ۱۸۲۶ نفر عضو هیأت‌علمی با رتبه دانشیاری و استادیاری به صورت تمام وقت در دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌کنند و با احتساب استادان نیمه وقت تقریبا به شماری بالغ بر ۵۰۰۰ نفر می‌رسد. نکته اسفناک‌تر آن که هزینه ناشی از خروج نخبگان از کشور در دهه گذشته بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار برآورد شده است؛ حال آن که درآمد سالیانه کشور از محل صادرات نفت تنها ۱۲ میلیارد دلار بوده است. از دیگر سو، کشور آمریکا سالانه ۷ میلیارد دلار و انگلستان ۲ میلیارد دلار از پدیده جذب نخبگان سود می‌برند(۷).

با وجود آن که در بررسی عوامل مؤثر بر خروج نخبگان از کشور موارد مختلفی را می‌توان اشاره کرد، اما یکی از عوامل عمده مؤثر بر این پدیده تأثیر عوامل سیاسی و انزوای نخبگان است(۸). نگاهی به گذشته و تاریخ علم، این حقیقت را به خوبی آشکار می‌کند که حکومت‌هایی که به دانش و اندیشه ورزی اجازه جولان داده و با سعه صدر برخورد نموده‌اند، پیشرفت‌های شگرفی را تجربه کرده و بر عکس؛ هرجا زوال تمدنی را شاهد هستیم در بررسی علل رکود و افول آن به عواملی چون محدود نمودن اندیشمندان و ایستایی عرصه علم و دانش بر می‌خوریم. به گواه تاریخ، اوج اقتدار و قدرت علمی دانشگاه بزرگ جندی شاپور زمانی رو به افول نهاد که در درون کشور علم و عالم مورد کم‌مهری صاحبان سیاست قرار گرفت و از سوی دیگر در خارج از ایران حکمای وقت از طریق اتخاذ سیاست جذب دانشمندان و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات برای آنها، زمینه ایجاد دانشگاه‌های بزرگ و مراکز علمی را در آن ممالک به وجود آوردند(۹). توجه به استقلال و آزادی علمی به عنوان زیربنای استقرار نظام‌های پاسخ‌گویی اکنون یک ضرورت مهم مورد پذیرش در همه جوامع توسعه یافته است. خوشبختانه در برنامه پنجم توسعه و نقشه جامع علمی کشورمان نیز پرداختن به استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های اصلی آموزش عالی مکررا مورد تأکید قرار گرفته و واگذاری اختیارات قانونی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات به منظور ایجاد انعطاف در اجرای برنامه‌ها، افزایش کارآمدی و تسهیل و روان‌سازی فعالیت‌ها به ویژه در برنامه‌ریزی، راه‌اندازی رشته، جذب هیأت‌علمی و دانشجو از راهبردهای اصلی در توسعه سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت آموزش عالی به شمار می‌رود(۱۰).

با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش ابعاد مختلف استقلال و آزادی علمی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفته و به دو سؤال اصلی پرداخته شد:

۱) از دیدگاه اعضای هیأت‌علمی وضعیت آزادی علمی و استقلال دانشگاهی در دانشگاه چگونه است؟

۲) آیا بین دیدگاه اعضای هیأت‌علمی به تفکیک رشته تحصیلی، دانشکده، جنسیت و مرتبه علمی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش‌ها

مطالعه کاربردی حاضر به روش توصیفی پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش را ۵۵۰ نفر از اعضای هیأت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل داد که با استفاده از جدول مورگان و نمونه‌گیری طبقه‌ای، حجم نمونه‌ای شامل ۲۳۰ نفر به نسبت ۸ دانشکده و مرکز تحقیقاتی به روش تصادفی انتخاب و در مجموع ۲۲۷ پرسشنامه بازگردانده شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته شامل ۱۵ سؤال بسته پاسخ در سه حیطه آزادی علمی، استقلال دانشگاهی و سیاست‌های خارجی با مقیاس ۴ گزینه‌ای لیکرت و ۱ سؤال باز پاسخ طراحی گردید. برای تعیین محتوای حیطه‌ها از بررسی متون علمی و تحقیقات گذشته و نیز نظر سنجی اولیه از اعضای هیأت‌علمی با سؤالات باز پاسخ استفاده شد، و پس از آن، روایی محتوایی و صوری سؤالات پرسشنامه اولیه با استفاده از دیدگاه ۷ نفر از متخصصین بررسی و با ۱۵ سؤال به تأیید نهایی رسید. پایایی ابزار نیز با بررسی بر روی ۲۵ نفر از اعضای هیأت‌علمی با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار $SPSS_{14}$ و با آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، تی گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یکراهه مورد تجزیه و تحلیل

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

قرار گرفت. بازه نمره هر گزینه بین ۱ تا ۱۰۰ بود که نمرات بالای میانگین مرزی(۶۲/۵) به معنای وجود مانع و مشکل قلمداد می‌شود. نحوه محاسبه میانگین مرزی یا خط برش: از آنجایی که مقدار گویه‌ها: موافقم=۴ نسبتاً موافقم=۳ نسبتاً مخالفم=۲ و مخالفم=۱بود مجموع گزینه‌ها=۱۰ که با تقسیم آن بر تعداد گزینه‌ها عدد ۲/۵ به دست آمد. این میانگین (یعنی عدد ۲/۵ از حداکثر نمره ۴ در مقیاس ۱ تا ۴)، در مقیاس صفر تا ۱۰۰ معادل ۶۲/۵ است. در صورتی که میانگین نمره در هر سؤال بیش از ۶۲/۵ بود به معنای وجود مانع تلقی شده است(۱۱). با توجه به آن که در مقیاس پنج تایی لیکرت امکان میل به انتخاب گزینه میانی بیشتر است، برای به دست آوردن تفاوت دیدگاه‌ها بنا به توصیه صاحب‌نظران و مطالعه تحقیقات پیشین از مقیاس ۴ تایی لیکرت استفاده گردید.

نتایج

از مجموع ۲۲۷ نفر افراد شرکت‌کننده در تحقیق، ۵۳ درصد مرد و ۴۷ درصد زن بودند. از نظر مرتبه دانشگاهی در ۲۲/۵ درصد موارد مربی، ۴۴/۵ درصد استادیار، ۱۸/۵ درصد دانشیار و ۵/۲ درصد استاد بودند. از نظر رشته تحصیلی، ۳۱/۳ درصد رشته‌های پزشکی داخلی و جراحی، ۲۴/۴ درصد علوم پایه پزشکی، ۱۶/۷ درصد پیراپزشکی و۱۷/۶ درصد رشته‌های غیر پزشکی بودند. ۳۷/۴ درصد اعضای هیأت‌علمی در دانشکده پزشکی، ۹/۷ درصد دانشکده دندانپزشکی، ۷ درصد داروسازی،۱۳/۲ درصد پرستاری مامایی، ۴/۴ درصد توانبخشی، ۱۰/۱ درصد پیراپزشکی، ۹/۷ درصد بهداشت و مدیریت و ۸/۴ درصد در مراکز تحقیقاتی مشغول به کار بودند. ۴۶/۳ درصد دارای مسؤولیت اجرایی بودند و بقیه افراد مسؤولیت اجرایی نداشتند. نتایج به دست آمده در هر سؤال در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده است.

با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای و مقایسه میانگین نظرات با میانگین مرزی تحقیق، از بین سه حیطه مورد ارزیابی؛ مشکلات مربوط به استقلال مالی و اداری دانشگاه بیشترین(۸۱/۳ از صد) مقدار را به خود اختصاص داده و سپس تأثیر ارتباطات بین المللی(۷۶/۹ از صد) و آزادی علمی(۷۳/۳ از صد) به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند(جدول ۱).

جدول ۱: دیدگاه اعضای هیأت‌علمی در مورد گویه‌های استقلال و آزادی علمی بر اساس آزمون T تک نمونه‌ای*

حیطه ها	میانگین و انحراف معیار نمره (از صد)	t	درجه آزادی	P
استقلال دانشگاهی	۸۱/۳±۲۱/۳۰	۸۲/۷	۲۲۱	۰/۰۱
سیاست خارجی	۷۶/۹±۲۰/۵۲	۷۵/۲	۲۰۸	۰/۰۵
آزادی علمی	۷۳/۳±۲۱/۶۴	۷۲/۷	۲۰۵	۰/۰۵

*در آزمون تی تک نمونه‌ای در واقع میانگین دیدگاه افراد با میانگین مرزی یا خط برش مقایسه می‌شود.

همان‌طور که یافته‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد مشکلات مربوط به استقلال و آزادی علمی در همه گویه‌ها مشاهده می‌شود اما گویه‌های مربوط به آزادی علمی کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است و اعضای هیأت‌علمی در مورد مشکلات استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها میانگین بیشتری را اختصاص داده اند.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر تفاوت دیدگاه اعضای هیأت‌علمی به تفکیک عوامل جمعیتی؛ در حیطه استقلال دانشگاهی و تأثیر سیاست‌های خارجی به تفکیک دانشکده، مرتبه علمی، داشتن مسؤولیت اجرایی، نوع رشته تحصیلی و جنسیت تفاوت معناداری وجود نداشت. در حیطه آزادی علمی و به تفکیک رشته تحصیلی؛ افرادی که از رشته‌های غیر علوم پزشکی بودند موانع این حیطه را در حد نزدیک به معناداری بیش از رشته‌های علوم پزشکی نمره داده بودند (P=۰/۰۵۶).

بحث

در تحقیقات گذشته، به تأثیر مسائل سیاسی، استقلال و آزادی علمی کمتر پرداخته شده است، فضیلت‌خواه در پژوهشی تلویحا به مسأله عدم استقلال علمی پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی اشاره نموده است(۱۲). ماجومدر (Majumder) در تحقیقی در مورد موانع پژوهش در کشورهای آسیایی به تأثیر تحولات ناگهانی سیاسی بر فعالیت‌های علمی و برنامه‌های توسعه‌ای این جوامع اشاره می‌نماید(۱۳).

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

جدول ۲. میانگین توافق پاسخ‌گویان با گویه‌های مربوط به استقلال دانشگاهی، سیاست خارجی و آزادی علمی

	گویه‌ها	موافقت با هر گویه (نمره از ۱۰۰)	
		انحراف معیار	میانگین
استقلال دانشگاهی	وابستگی دانشگاه به بودجه صرفا دولتی و متنوع نبودن منابع مالی دانشگاه	۱۹/۳	۸۵/۶
	عدم استقلال دانشگاه در به‌کارگیری نظام‌های نوین مالی و اداری	۲۳/۹	۸۴/۸
	محدودیت دانشگاه در بهره برداری از درآمدهای اختصاصی	۲۰/۴	۸۱/۸
	رجحان رویکردهای سیاسی بر ویژگی‌های علمی و حرفه‌ای در انتخاب مدیران و کارکنان	۲۱/۷	۷۹/۶
	تأثیر نظام گزینش و جذب اعضای هیأت‌علمی از رویکردها و جناح بندی‌های سیاسی	۲۰/۳	۷۸/۳
	محدودیت اختیارات دانشگاه‌ها در تنوع بخشی به شیوه‌های پذیرش دانشجو	۲۲/۶	۷۷/۴
	میانگین نمرات حیطه استقلال دانشگاهی	**۲۱/۳**	**۸۱/۳**
سیاست خارجی	تأثیر روابط سیاسی کشور بر روابط علمی بین المللی و پذیرش مقالات در مجلات خارجی	۲۱/۱	۷۹/۱
	تأثیر محدودیت‌ها و تحریم‌های سیاسی و روابط بین الملل بر امکانات و روند علمی دانشگاه‌ها	۱۹/۹	۷۴/۸
	میانگین نمرات حیطه سیاست خارجی	**۲۰/۵**	**۷۶/۹**
آزادی علمی	تأثیر نگرش‌های سیاسی برخی مدیران بر فضای علمی و پژوهشی دانشگاه	۲۱/۲	۷۶/۹
	تغییر مداوم برنامه‌ها و طرح‌های پژوهشی پس از تغییر و تحولات سیاسی	۲۰/۵	۷۶/۵
	مدیریت متمرکز دولتی و کمی اختیارات دانشگاهی در گزینش و جذب اعضای هیأت‌علمی	۲۱/۹	۷۵/۹
	عدم امکان انتشار برخی نتایج طرح‌ها و فعالیت‌های تحقیقاتی	۲۲/۰	۷۴/۸
	کاهش بنیه علمی دانشگاه به علت کناره‌گیری بخشی از نیروهای علمی(در اثر اختلاف نظرهای سیاسی)	۲۱/۷	۷۲/۶
	نا کافی بودن فضای آزاد علمی در انتخاب موضوعات پژوهشی	۲۳/۹	۶۹/۱
	ناکافی بودن فضای آزاد علمی در تدریس، اداره کلاس و مباحث درسی	۲۰/۱	۶۶/۸
	میانگین نمرات حیطه آزادی علمی	**۲۱/۶**	**۷۳/۳**

هنینکز و استفنسون (Henninks & Stephenson) در پژوهشی به بررسی ارتباط پژوهشگران و سیاست‌گذاران حوزه بهداشت و درمان در ۴ کشور مالاوی، تانزانیا، هند و پاکستان پرداختند که بر اساس نتایج این پژوهش، مشکلات ناشی از تغییر دولت‌ها و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های پژوهشی یکی از مشکلات عمده در این کشورها بیان گردید(۱۴). بیک مرادی و همکاران نیز در تحقیقی در مورد الزامات اثربخشی رهبری دانشگاهی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران به تأثیر مسائل سیاسی بر فضاهای علمی نظیر انتخاب مدیران دانشگاهی، عدم ثبات در مدیریت دانشگاه‌ها و پیامدهای منفی آن می‌پردازد(۱۵). در بررسی سه حیطه چنان که جدول ۲ نشان می‌دهد گویه‌های مربوط به حیطه آزادی علمی به ویژه انتخاب موضوع و انتشار نتایج پژوهش و یا تدریس و بحث در کلاس کمترین میانگین را داشته است. با توجه به آن که رشته‌های علوم پزشکی اساسا مبتنی بر سلامت انسان بوده و ماهیتی غیر سیاسی دارند انتظار نیز می‌رفت این دسته موانع کمترین حد را به خود اختصاص دهند، اما با توجه به آن که اعضای هیأت‌علمی رشته‌های غیر پزشکی میانگین گویه‌ها را بیش از رشته پزشکی نشان داده‌اند به نظر می‌رسد شاید اگر این تحقیق در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی انجام شود این تفاوت بیشتر محسوس باشد. اما بیشترین مشکلی که در این تحقیق و در حیطه آزادی علمی از سوی اعضای هیأت‌علمی احساس شده است تأثیر نگرش‌های سیاسی برخی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی و پژوهشی دانشگاه می‌باشد. در بخش سؤالات باز نیز پاسخ دهندگان بر ضرورت دور بودن مدیریت محیط‌های علمی از تغییر و تحولات جناحی و سیاسی تأکید نموده‌اند. صاحب‌نظران معتقدند حاکمیت تفکر سیاسی بر فضاهای

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

علمی و تعلقات خاص گروهی، قومی و جناحی از جمله موانعی است که بر سر راه پژوهشگران قرار دارد و این امر با آزادی علمی و فراغت خاطر لازم که اصل بدیهی و شناخته شده در کار پژوهشی است منافات دارد و از سوی دیگر موجب اتلاف منابع زمان و نیروی انسانی خواهد شد.(۴).

اما بیشترین میانگین در بین سه حیطه یاد شده مربوط به استقلال دانشگاهی بود. در بین گویه‌های این حیطه عدم استقلال مالی و اداری دانشگاه و نیز محدودیت اختیارات دانشگاه در گزینش استاد، دانشجو، مدیران و کارکنان میانگین بالایی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که نیروی انسانی در سازمان‌ها مهم‌ترین سرمایه آنها محسوب شده و گزینش و جذب نیروی انسانی و تعیین صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای آنها به ویژه در محیط‌های تخصصی و حرفه‌ای از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ و اساساً برای افزایش پویایی، خلاقیت و بروز ایده‌های نوین در فضاهای علمی و حرفه‌ای نظیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که تخصص و دانشوری محور فعالیت‌ها را تشکیل می‌دهد. وجود رویکردهای همکارانه (Collegial) که زمینه خلق ایده‌های نوین و تنوع بخشی به محیط‌های آکادمیک را فراهم می‌کند در مقایسه با رویکردهای بوروکراتیک و سیاسی، نقش مهم‌تری را در توسعه دانشگاه ایفا می‌کند(۱۷و۱۶). در نقشه جامع علمی کشور نیز بر استقلال علمی و اعطای اختیارات بیشتر در شیوه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی و جذب نیروی انسانی تأکید گردیده و اهتمام سیاست‌گذاری‌های کلان علمی کشور بر این مقوله اکنون مجال مناسبی را برای پرداختن به این مهم و تعیین شاخص‌های عینی و عملی آن فراهم آورده است.

تأثیر رویکردهای سیاسی و دولتی بر دانشگاه علاوه بر قلمروی آزادی و استقلال علمی در دانشگاه‌ها، از برخی عوامل بیرونی نیز تأثیر می‌پذیرد که به طور غیر مستقیم بر فرایندهای دانشگاهی تأثیر دارند. تأثیر روابط سیاسی کشور بر روابط علمی بین‌المللی و پذیرش مقالات در مجلات خارجی و تأثیر محدودیت‌ها و تحریم‌های سیاسی بر امکانات و روند علمی دانشگاه‌ها از جمله مواردی بودند که اعضای هیأت‌علمی در این پژوهش بدان اشاره داشته‌اند. سوماتیپالا و همکاران (Sumathipala et al) در تحقیقی دریافتند تعداد مقالات منتشر شده از کشورهای در حال توسعه در ۵ مجله معتبر علوم پزشکی کمتر از ۳/۲ درصد بوده و بیشترین مقالات مربوط به کشورهای آمریکا و انگلستان بوده است(۱۸). هرچند دلایل زیادی را می‌توان در این باره برشمرد اما تحقیقات دیگر مؤید این مطلب است که قدرت کشورها و در اختیار داشتن مجلات و محافل علمی تأثیر معناداری در پذیرش و چاپ مقالات علمی داشته است؛ چنان که بیش از ۷۰ درصد مقالات چاپ شده در دو مجله Medical Education وAcademic Medicine به ترتیب از نویسندگان انگلیسی و آمریکایی بوده است. نویسنده این تحقیق معتقد است این شمار پذیرش مقالات ناشی از آن بوده است که سردبیران و هیات تحریریه این مجلات از همین کشورها بوده است(۱۹). همچنین مطالعه‌ای که در مورد مقایسه تولیدات علمی کشورهای منطقه مدیترانه شرقی انجام شد نشان داد کشورهایی که از ثبات و استقلال سیاسی بیشتری برخوردار بودند در مقایسه با کشورهای در حال جنگ و بحران نظیر عراق، افغانستان، سومالی، فلسطین تولیدات علمی بیشتری داشتند و این تا حدی نشان‌دهنده تأثیر ثبات سیاسی بر مدیریت دانشگاه‌ها به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار بیرونی است(۲۰).

نتیجه‌گیری

در نظام‌های دانشگاهی متمرکز که دولت همه امور آموزش عالی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا را تعیین می‌نماید عملاً عرصه ظهور فکرهای نوین و خلاقیت در مدیریت دانشگاهی محدود می‌گردد و از سوی دیگر دانشگاهی که همه ابعاد آن به طور متمرکز و سلسله مراتبی و با رویکردی قیم‌مآبانه از سوی دولت مدیریت شود زمینه پاسخ‌گویی نیز به تدریج از بین می‌رود. پیامد منفی دیگر چنین رویکردی، عدم رشد و بالندگی مدیران دانشگاهی و کمبود نیروهای متفکر و خلاق در آینده

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

است. چرا که در یک سیستم کاملاً متمرکز که همه منابع مالی، روندهای اداری، برنامه‌های آموزشی، آیین‌نامه‌ها و مقررات از سوی دولت تعیین گردد، مدیران به جز اجرای مصوبات نقش دیگری نداشته و اصولا طرح مفاهیمی چون برنامه‌ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم سازی و پاسخ‌گویی نیز جایگاه روشنی نخواهند داشت. از سوی دیگر ظهور مفاهیمی چون جهانی شدن و بین‌المللی شدن آموزش عالی در دنیای امروز، مدیریت دانشگاهی را به چالشی نوین فرا می‌خواند که گستره این مفاهیم در معادلات انحصاری و تک متغیره نظام‌های متمرکز نمی‌گنجد و اساسا مفهوم تغییر و تنوع بخشی در ارائه آموزش عالی با مدیریت غیر رقابتی و ایستا همخوانی ندارد.

اصول شناخته شده و مبرهنی چون آزادی علمی و استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها از الزامات بقا در آموزش عالی نوین است. همچنین توجه بیشتر به استقلال دانشگاه‌ها هم در بعد آزادی علمی و هم در استقلال اداری و مالی، زمینه ساز مسؤولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی بیشتر در مدیریت دانشگاهی است و بدون استقرار این دو اصل مهم عملاً بحث از پاسخ‌گویی بی فایده است. چرا که پاسخ‌گویی تنها در قبال اعطای اختیارات معنی و مفهوم پیدا می‌کند. باید به این نکته نیز توجه داشت که بحث از استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به معنای از بین رفتن نقش دولت در دانشگاه‌ها نیست بلکه واگذاری اختیارات مدیریتی وبرنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها علاوه بر ایجاد فرصت برای رشد و بالندگی مدیران امروز و تربیت مدیران فردا، امکان پرداختن دولت به امور مهم‌تری چون حمایت از دانشگاه‌ها، نظارت بر حسن اجرای مدیریت دانشگاهی و استقرار مکانیزم‌های پاسخ‌گویی را فراهم می‌آورد. انتخاب مدیران علمی دانشگاه با هم‌رایی اعضای هیات‌علمی به عنوان ضرورت اساسی در محیط‌های آکادمیک در سؤالات باز از سوی اعضای هیأت‌علمی تأکید شده است. همچنین توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک در دانشگاه‌ها و استقرار سیستم پایش و پاسخ‌گویی نظام‌مند می‌تواند از بسیاری از دوباره کاری‌های ناشی از تغییرات سیاسی جلوگیری نماید. علاوه بر این افزایش استقلال دانشگاه‌ها در اداره امور داخلی، زمینه رشد خلاقیت و نوآوری و به‌کارگیری سبک‌های متنوع مدیریتی را ایجاد می‌کند و از این رهگذر امکان تجربه اندوزی در مدیریت نوین دانشگاهی را در سطح ملی و بهینه کاوی الگوهای برتر را در آینده فراهم می‌آورد.

منابع

1. Shils EA. Limitations on the Freedom of Research and Teaching in the Social Sciences. Annals of the American Academy of Political and Social Science. 1938; 200(1): 144-64.
2. World Bank. higher education in developing countries : peril and promise. Trans Bagherian F, Fazli E. Tehran: Shahid Beheshti University; 2000. [Persian]
3. Arasteh HR. Azadyeh Elmi. In: Nadergholi g, Jafari P, Arasteh HR, editors. [Encyclopedia of higher education]. Tehran: Bonyade daneshnameh Farsi; 1994. [Persian]
4. Fatemi H. [Moshkele tahghigh dar rahe toseeie jahane sevom]. Tehran: Sahami-e-enteshar; 1995. [Persian]
5. Javdani H. Nameh Amoozeh Ali: Esteghlal academic. Research and Planing in Higher Education; 1994. [Persian]
6. Zakersalehi Gh. Pish Niazhaye toseeh elmye keshvar. In: Nadergholi g, Jafari P, Arasteh HR, editors. [Encyclopedia of higher education]. Tehran: Bonyade daneshnameh Farsi; 1994. [Persian]
7. Mohseni AA. Asibhaye farhangi va ejtemaee daneshgahha. . In: Nadergholi g, Jafari P, Arasteh HR, editors. [Encyclopedia of higher education]. Tehran: Bonyade daneshnameh Farsi; 1994. [Persian]
8. Hadavandi S. [Pajoohesh va pajoohesh-Mehvari dar ghabe bayadha va nabayadha]. Mahnameh Sanaye Electronic. 1993; 10: 35-45. [Persian]
9. Mahmood Abadi SA. Daneshgah Jondi Shappor. In: Nadergholi g, Jafari P, Arasteh HR, editors. [Encyclopedia of higher education]. Tehran: Bonyade daneshnameh Farsi; 1994. [Persian]
10. Ministry of Health and Medical Eduvation. [Naghsheh Jame Elmye Salmat]. [cited 2011 4 Sep]; Available from: www.hbi.ir/fanavari/guideline/naghshe-jame-elmi.pdf. [Persian]

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

11. Tajri M. [Barrasie mavanee faaliathaye tahghighati daneshgahhaye oloome ensani shahre Tehran az didgahe azaye heiat elmi] [dissertation]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2003. [Persian]
12. Fazilatkhah M. [Barrasie Mavane va Moshkelate tahghighate ejtemaee dar Iran] [dissertation]. Tehran: Tehran University; 1992. [Persian]
13. Majumder M. Issues and priorities of medical education research in Asia. Annals Academy of Medicine Singapore. 2004; 33(2): 257-63.
14. Hennink M, Stephenson R. Using research to inform health policy: barriers and strategies in developing countries. J Health Commun. 2005; 10(2): 163-80.
15. Bikmoradi A, Brommels M, Shoghli A, Sohrabi Z, Masiello I. Requirements for effective academic leadership in Iran: a nominal group technique exercise. BMC Med Educ. 2008; 8: 24.
16. Bush T. Theories of educational leadership and management. 3rd ed. London: Sage Publications; 2003.
17. Paradeise C, Reale E, Bleiklie I, Ferlie E. University Governance: Western European Comparative Perspectives. Dordrecht: Springer; 2009.
18. Sumathipala A, Siribaddana S, Patel V. Under-representation of developing countries in the research literature: ethical issues arising from a survey of five leading medical journals. BMC Med Ethics. 2004; 5: E5.
19. Tutarel O. Geographical distribution of publications in the field of medical education. BMC Med Educ. 2002; 2: 3.
20. Amini M, Kajouri J, Lotfi F, Karimian Z, Hassan-Abadi Sadeghi A, Dehghani MR, et al. [Modiriyate Tahgigate Amouzehe Pezeshki: Barrasye Olaviyathaye Tahgigate Amouzehe Pezeshki dar Keshvarhaye Mantageye Meditaraneye sharghi-Projeye Moshtarak ba Sazemane Jahaniye Behdasht]. 2011 [cited 2011 24 Sep]; Available from:
http://edc.sums.ac.ir/icarusplus/export/sites/edc/jashnvare-shahidmotahari/farayandhaye90/dramini90.pdf. [Persian]

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]

Higher Education Administration and Accountability; the Necessity of Autonomy and Academic Freedom from Faculties' Viewpoint

Zahra Karimian[1], Javad Kojouri[2], Farhad Lotfi[3], Mitra Amini[4]

Abstract

Introduction: *Originality and dynamism of university activities calls for a democratic atmosphere and considered as a supporting principles for faculties. Giving autonomy to universities is a fundamental policy to enhance their responsibility, accountability, and dynamism. Hence, this study is an endeavor to investigate the autonomy and academic freedom situation in university from the viewpoints of faculty members.*

Methods: *Study population included 550 faculty members in Shiraz University of Medical Sciences. According to Morgan tables, a sample size of 230 faculties was selected from different schools. Academic freedom, the effect of international policies, and university independence were measured through a researcher-designed questionnaire including 15 close questions in 4 points Likert scale. The score for each item was calculated out of 100. The questionnaire's validity was verified by experts and the reliability was approved by Cronbach's Alpha (91%).*

Results: *The mean scores for main domains were: university's autonomy (81.3±21.3), the effect of international policies (76.9±20.5), and academic freedom (73.3±21.6). Among the items, lack of university's financial independence and its reliance to governmental budget (85.6), the effect of international politics on international academic associations (79.1), the effect of political attitude of university managers on academic atmosphere (76.9), continuous changes of programs after management changes (76.5) were factors which showed the highest mean scores respectively.*

Conclusion: *Regarding the importance of academic freedom and autonomy in accountability and the growth of creativity and innovation in university, this subject should be considered more than ever. Besides, according to strategic management and planning and establishment of monitoring system and systematic accountability could prevent the redundancy resulted from political changes.*

Keywords: University Administration, Autonomy, Academic Freedom, Accountability, Academic Leadership,

Addresses:

[1] (✉) PhD Student of Higher Education Management of Shahid Beheshti University, Medical Education Development Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: karimian_z@yahoo.com

[2] Associate Professor, Cardiology (Subspecialty in Interventional Cardiology), School of Medicine, Educational Development Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: kojurij@yahoo.com

[3] PhD Student of Health Economy of Tehran University of Medical Sciences, Medical Education Development Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: lotfifarhad@gmail.com

[4] Associate Professor, Department of Community Medicine, Medical Education Development Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: aminim@sums.ac.ir

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-12]